

جامعه‌شناسی سیاسی رفتار انتخاباتی استان کردستان (دوره اول تا دوازدهم انتخابات ریاست جمهوری)

تاریخ دریافت: 1397/12/20

تاریخ پذیرش: 1398/2/2

دکتر علی کریمی‌مله¹، محمد سلمان تبار سوتنه²

چکیده

استان کردستان با انبوهی از سرمایه‌های اجتماعی - انسانی با توجه به شاخص‌های توسعه، در زمره استان‌های سنتی و در حال پیشرفت است. خاصیت این جوامع در خصوص مسئله‌ای مانند انتخابات بدین شکل است که انتخابات فرصت و راهی برای تمرین سیاسی - اجتماعی برای آنان به شمار می‌آید. در طول سال‌های اخیر، وعده‌های مختلف نامزدهای دوره‌های متعدد ریاست جمهوری به همراه تاثیر رسانه‌ها و افزایش سطح آگاهی مردم این منطقه، سبب شد که شکاف مشارکت کاهش یابد و مردم مطالبات قانونی خود را از دولت بخواهند و با وجود بهانه نبود امنیت در منطقه و جوسازی‌های رسانه‌های معاند، در توزیع ساختار قدرت سیاسی کشور نیز بیشتر سهیم گردند.

لذا با توجه به اهمیت موضوع، در این پژوهش به جامعه‌شناسی سیاسی رفتار انتخاباتی استان کردستان از دوره اول تا دوازدهم انتخابات ریاست جمهوری پرداخته می‌شود. ضرورت این تحقیق این است که می‌تواند زمینه ساز تداوم مشارکت عمومی مردم این استان در ساختار سیاسی بوده و مخاطرات ملی و منطقه‌ای را در این منطقه به آسانی دفع نماید و چهره‌ای جدید از امنیت را با افزایش ظرفیت‌های جذب در نواحی مرزی و اقوام نشین ایران ترسیم کند.

بنابراین بر همین اساس با بهره‌گیری از روش تحلیلی - توصیفی تلاش گردیده با پرداختن به این سوال اصلی که رفتارهای انتخاباتی در استان کردستان ایران تحت تأثیر چه عواملی است؟ رفتارهای انتخاباتی مردم این استان در انتخابات ریاست جمهوری از بعد انقلاب اسلامی تاکنون مورد بررسی قرار گرفته و راهکارهای تداوم مشارکت عمومی کردها در ساختار سیاسی ایران ارائه گردد.

مفاهیم کلیدی: مناطق کردنشین، ایران، مشارکت سیاسی، رفتار انتخاباتی، اعتماد عمومی.

1. استاد و عضو هیئت علمی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران (akm10@umz.ac.ir)

2. * نویسنده مسئول، دانشجوی کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

(ms29912991@gmail.com)

مقدمه

رأی دهی و مشارکت در انتخابات آشکارترین نوع مشارکت سیاسی برای اغلب شهروندان در جوامع مردم سالار است. رأی دادن مؤثرترین وسیله برای شهروندان است تا افکار و عقاید خود را در اداره امور عمومی و اجتماعی اعمال کنند. رأی گیری در واقع یک نوع سازوکار اجتماعی برای گردآوری و تشخیص انگیزه‌ها و ارجحیت‌های اجتماعی است. اساسی‌ترین عملکرد مشارکت رأی دهی فرصت دادن برای مناصب و مسئولیت‌ها در جامعه است (Robert, 1986:293). از آنجا که میزان مشارکت شهروندان در انتخابات یکی از شاخص‌های میزان مشروعیت و مقبولیت نظام سیاسی در بسیاری از کشورهاست، حکومت‌ها بر حضور حداکثری مردم در انتخابات تأکید می‌کنند. حکومتی که بتواند بیشترین مشارکت در انتخابات را جلب کند نه تنها در عرصه داخلی بلکه در عرصه بین‌المللی نیز می‌تواند از موضعی مقتدرانه داشته باشد. مشارکت حداکثری مردم در انتخابات بستری برای اعتماد به نفس مسئولان سیاسی و منتخبان مردم فراهم می‌کند که بتوانند در اداره امور کشور، رأی مردم را پشتیبان تصمیم‌های خود بدانند. به همین دلیل کاهش مشارکت مردم در انتخابات یکی از مسائل اساسی دولت‌ها به شمار می‌رود (سیدامامی و همکار، 1388: 112).

اهمیت نگرش عمومی به حکومت و اطلاع از خواسته‌ها و انتظارات مردم جهت دستیابی به معیارهای مشروعیت بخش، بر کسی پوشیده نیست. ساکنان هر فضای جغرافیایی، بر اثر تعاملات روزمره با همدیگر در طی زمان، نگرش مشترکی نسبت به همدیگر پیدا کرده‌اند و دیدگاه‌های ویژه‌ای نسبت به موضوعات سیاسی - اقتصادی دارند. تحولات اجتماعی و اقتصادی تغییراتی در نگرش افراد ایجاد می‌کند که این تغییرات باعث تغییر نگرش‌های مردم و اعتماد عمومی نسبت به موضوعات گوناگون، از جمله معیارهای مشروعیت بخش به حکومت می‌شود. از آنجا که هر نظام سیاسی نماینده تمام مردم ساکن در قلمرو جغرافیایی مربوطه است، در سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه، باید دیدگاه‌ها، نگرش‌ها و خواست همه افراد جامعه لحاظ شود، در غیر این صورت چنانچه گروهی احساس کند که خواسته‌ها و نیازهایش مورد بی توجهی است، خود به خود احساس بیگانگی کرده و زمینه‌های تفرق و از هم پاشیدگی وحدت ملی ایجاد می‌شود (حافظ نیا و دیگران، 1378: 2).

با پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی در ایران، مشارکت سیاسی در قالب شرکت در انتخابات بسیار مهم و حساس تلقی شد. از آنجا که حضور گسترده و همه جانبه مردم در انتخابات به نقطه قوت نظام جمهوری اسلامی ایران در عرصه ملی و بین‌المللی بدل شده است، سیاست مخالفان به سوی کاهش مشارکت و سیاست نظام جمهوری اسلامی بر

تشویق همگانی مردم برای مشارکت در انتخابات بوده است. در چهار دهه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در مجموع دوازده دوره انتخابات ریاست جمهوری برگزار شده است. ویژگی مهم این انتخابات مشارکت بالای پنجاه درصدی رأی دهندگان است؛ هرچند این میزان در انتخابات مختلف دارای فراز و نشیب بوده است. مشارکت بالای مردم در همه پرسی نظام جمهوری اسلامی 1358، هفتمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در خرداد 1376 و دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در خرداد 1388 و کاهش مشارکت رأی دهی در جریان برگزاری انتخابات هفتمین دوره مجلس و نیز انتخابات شوراهای شهر و روستا در اسفند 1381، علاوه بر تغییر در گرایش‌های سیاسی و اجتماعی رأی دهندگان، مطالعه و بررسی عوامل مؤثر بر میزان مشارکت رأی دهندگان در انتخابات نظام جمهوری اسلامی را به یک موضوع حساس در جامعه‌شناسی سیاسی ایران بدل کرده است (سیدامامی و همکار، 1388: 112).

از روی رفتارهای انتخاباتی مناطق کردنشین، آمارهای موجود و شواهد عینی و تجربه همزیستی می‌توان استدلال کرد که در این مناطق، در برخی ادوار انتخابات ریاست جمهوری کمترین میزان مشارکت در بین استان‌های مختلف را دارا بوده‌اند (شیخی، 1392: 3). رفتار سیاسی شهروندان استان کردستان در قالب شرکت در انتخابات ریاست جمهوری، به علت افتراق قومی و مذهبی آنان با اکثر جامعه ایران و نیز فعالیت سیاسی نخبگان قومی در این زمینه و همچنین تأثیرپذیری مردم این استان از تغییر و تحولات منطقه‌ای، همواره از اهمیت خاصی برخوردار بوده است (غفاری و همکار، 1390: 89). از جمله مناطق ایران که پس از انقلاب اسلامی دستخوش تحولات گوناگون و بحران‌های اجتماعی و فرهنگی و سیاسی شد، استان کردستان بود. که در آن دوره به علت عدم بلوغ و تکامل احزاب و گروه‌های سیاسی، نبود فرهنگ گفتگو و رقابت سالم و قانونی، نبودن رویه تساهل و تسامح و خویشتن‌داری حزبی، مخدوش بودن مرزهای رقابت حزبی و برخورد آن با منافع ملی و عدم تشخیص و رویت این مرزها توسط جمعیت‌ها و احزاب و گروه‌های سیاسی، از ظرفیت‌ها و شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایجاد شده در دوران بعد از انقلاب 1357 به درستی استفاده نشد (غفاری و همکار، 1389: 98).

مناسبات قومی و خویشاوندی و طایفه‌گری که در سیستم انتخابات دوره‌های پیشین، عامل اصلی نامزدهای ریاست جمهوری بر سر میز مذاکره با نخبگان و بزرگان و تاثیرگذاران غرب کشور بود، دیگر مانند گذشته کارساز نیست بلکه اجرای قانون و تمکین بدان، رفع تبعیض و اجرای عدالت، تقسیم بودجه و ارائه خدمات، دادن امتیاز و نظام از شروط اساسی مناطق

کردنشین برای هر یک از نامزدهای ریاست جمهوری است و این جامعه کنونی در جریان تغییر فرهنگی - تاریخی خود، آهسته و پیوسته به سمت همگرایی بیشتر پیش می‌رود. این قانون اجتماعی مطرح و قابل تعمیم است که جوامعی که دارای میزان بالایی از دموکراسی هستند میزان اختیار و انتخاب آزادانه مبتنی بر عقلانیت افزایش می‌یابد و مشارکت سیاسی به سمت میانگین کاهش می‌یابد. افزایش مشارکت کردها (از حدود 13 درصد دور اول به 53 درصد دور هشتم و 64 درصد دور دهم) ناشی از افزایش آگاهی سیاسی و افزایش مطالبات قانونی از دولت است چرا که هرچه نامزدی، آراء بیشتری کسب کند از وجهه و پشتوانه مشروعیتی بیشتری در داخل و مجامع بین‌المللی برخوردار خواهد بود از این رو هم هر گروه و قوم و استانی که مشارکت بیشتری داشته باشد می‌تواند به همان نسبت، مطالبه‌گر، مصر و پیگیر حقوق خود و حل مشکلات متعدّدش باشد (شیخی، 1392: 3).

لذا در این پژوهش، هدف بررسی جامعه‌شناسی سیاسی رفتارهای انتخاباتی مناطق کردنشین ایران در ادوار گذشته انتخابات ریاست جمهوری است. با توجه به همین هدف تلاش شده با پرسش این سوال اصلی که رفتارهای انتخاباتی در استان کردستان ایران تحت تأثیر چه عواملی است؟ رفتارهای انتخاباتی مردم این استان در انتخابات ریاست جمهوری از بعد انقلاب اسلامی تاکنون مورد بررسی و راهکارهای تداوم مشارکت عمومی کردها در ساختار سیاسی ایران، ارائه می‌گردد.

پیشینه تحقیق

مطالعه رفتار انتخاباتی در ایران سابقه طولانی ندارد و به دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل نظام جمهوری اسلامی محدود می‌شود. در دوره اولیه انقلاب، در شرایط انقلابی دهه 60 و شرایط ناشی از انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشگاه‌ها و جنگ، توجه خاصی به مطالعه در حوزه رفتار رأی‌دهی نشد و تنها از نیمه دوم دهه 1370 و به خصوص از دهه 1380 با تشکیل مراکزی چون مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا) برخی مطالعات در این حوزه صورت گرفته است.

در مطالعه‌ای که توسط مرکز افکارسنجی دانشجویان (ایسپا) با عنوان «بررسی نگرش و رفتار انتخاباتی مردم تهران» در آستانه انتخابات هفتم مجلس در سال 1382 در شهر تهران با اندازه نمونه 1291 نفر صورت گرفت، پاسخ دهندگان تهرانی علل و انگیزه‌های زیر را برای شرکت خود در انتخابات اعلام داشتند:

تأثیرگذاری بر سیاست‌های نظام و سرنوشت خود، وظیفه شرعی، پایبندی به نظام

اسلامی، و دفاع از نظام جمهوری اسلامی در مقابل تهدیدهای خارجی (ایسپا، 1382). در نظرسنجی به عمل آمده برای مرکز پژوهش‌های مجلس با عنوان «نظرسنجی انتخابات هشتمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در میان دانشجویان دانشگاه‌های تهران» که در سال 1386 با اندازه نمونه 604 نفر از میان دانشجویان دانشگاه‌های دولتی در سطح تهران انجام شد، دلایل پاسخ دهندگان برای شرکت در هشتمین دوره انتخابات مجلس سوال شد. مهمترین انگیزه پاسخ دهندگان برای شرکت در انتخابات مذکور به ترتیب عبارت بود از: مشارکت در سرنوشت کشور و تأثیر رأی من در تصمیمات کلان کشور (33/94 درصد)، عمل به وظیفه ملی (32/45 درصد)، عمل به وظیفه دینی و شرعی (27/15 درصد) (سیدامامی، 1386).

در نظرسنجی که پیش از دهمین انتخابات ریاست جمهوری در سطح ملی انجام شد 90/1 درصد پاسخ دهندگان عامل «احساس وظیفه ملی»، 88/7 درصد «مشارکت در تصمیم گیری برای آینده کشور»، 71/9 درصد «احساس وظیفه دینی»، 66/8 درصد «مقابله با تهدیدات و تبلیغات خارجی»، و 63/5 درصد «تبعیت از مقام معظم رهبری» را در حد «خیلی زیاد و زیاد» دانستند (پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، اسفند 1387 و فروردین 1388). گلابچی (1384) رفتار انتخاباتی را مؤلفه‌ای دو بعدی متأثر از چگونگی سلوک نامزدها و روش انتخاباتی رأی دهندگان و تعاملات آن دو می‌داند. وی نقش پندارهای انتخاب کنندگان را عامل مهمی در تبیین رفتار رأی دهندگان می‌داند. این پندارها چون معلول ساختارهای محیطی است، کاردکردهایشان در طول زمان فرق خواهد کرد. بدین سان طبیعی است که در دوره‌های گوناگون انتخابات نتایج متفاوتی بروز کند. آنچه در انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا، مجلس هفتم و انتخابات نهم ریاست جمهوری رخ داد شگفت انگیز نبود، بلکه تغییر در عملکرد رأی دهندگان برآیند دگرگونی در پندارهای آنان و بر پایه آن روشی بود که برای رأی دادن در شرایط جدید برگزیده بودند. بر این پایه، شیوه رأی‌دهی انتخاب کنندگان بیشتر متأثر از ویژگی‌های ساختاری چون نهادینه نبودن تحزب، سطح پایین تجهیز شناختی، همسنگ نبودن نهادهای اجتماعی، توسعه شتابان پس از وقفه‌ای انقلابی در توسعه شتابان پیشین وجود پارادایم‌های گوناگون در اداره سیاست، اقتصاد، فرهنگ و در مجموع جامعه و شدت گرفتن تعارض‌های هنجاری و گسترش ابعاد آن به حوزه اصلی و فرعی جامعه است. در چنین فضایی باورها و عقاید سیاسی رأی دهندگان بر حسب احزاب سیاسی و مواضع آنها قطبی نمی‌شود و رفتار رأی‌دهی در هاله‌ای از ابهام قرار می‌گیرد. ذهن، نیت و رفتار سیاسی رأی‌دهنده که باید به طور طبیعی متأثر از فشارهای گروهی و دل‌بستگی‌های

جناحی باشد تا بدون توسل به ابزارها و مهارت‌ها و اطلاعات سیاسی تنها به وفاداری‌های گروهی و حزبی پناه ببرد و بر اساس آن رأی دهد، تغییر جهت می‌دهد و او بر مبنای پندارهای تازه که زاینده تغییرات و تحولات اجتماعی تازه است، دست به انتخاب می‌زند (گلابچی، 1384: 148-163).

نتایج پژوهشی که در تیرماه 1384 و با اندازه نمونه ای بالغ بر 1262 نفر در سطح 22 منطقه شهر تهران توسط مرکز افکارسنجی دانشجویان (ایسپا) انجام شد نشانگر آن بود که گفتمان عدالت اجتماعی و ویژگی‌های شخصی و صفات منتسب به سبک مدیریتی آقای احمدی نژاد در بین گروه زیادی از مردم پذیرفته شد و اصلی‌ترین دلیل رأی دادن به وی بود (ایسپا، 1384: 254). در پژوهشی دیگر که به منظور بررسی نظرات 4738 نفر از شهروندان کشور در 10 مرکز استان شهر تهران و کرج در خرداد ماه 1384 توسط همین مرکز انجام شد، اعتماد به مسئولان، احساس پاسخگو بودن نظام سیاسی، اعتماد به دستگاه‌های نظام سیاسی و مشروعیت، بر میزان تمایل مردم به رأی دادن تأثیر داشتند (ایسپا، 1384: گزارش 248). در پژوهش ملی دیگری با نمونه ای 15370 نفره از شهروندان کشور در 30 مرکز استان، ابعاد مختلف نگرش‌های افراد درباره وضعیت جاری کشور سنجیده شد و نیز شرکت آنان در نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری مورد پرسش قرار گرفت. هدف اصلی پژوهش، شناخت میزان مشارکت مردم در انتخابات و بررسی دلایل مشارکت یا عدم مشارکت آنها بود. براساس نتایج این تحقیق، مشارکت زمانی رخ می‌دهد که افراد از عملکرد نظام رضایت داشته باشند، آگاهی سیاسی داشته باشند، احساس کارآمدی سیاسی کنند، به آینده امیدوار باشند، برای نظام مشروعیت قائل باشند، عدالت رویه ای را احساس کنند و از زندگی خود رضایت داشته باشند (ایسپا، 1384: گزارش 240).

در گزارش «بررسی میزان مشارکت شهروندان تهرانی در انتخابات مجلس هفتم» به بررسی برخی عوامل و موانع مشارکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی اشاره شده است. عمده ترین دلیل شرکت نکردن در انتخابات ناامیدی از وضع موجود است. این ناامیدی بیش از آنکه به عوامل خارجی نظیر تأثیر تلویزیون‌های ماهواره‌ای یا توطئه خارجی‌ها نسبت داده شود، ناشی از عملکرد نظام در داخل است. داده‌ها نشان می‌دهند که اولاً تعداد کمی از مردم از تلویزیون‌های ماهواره‌ای استفاده می‌کنند (نزدیک به 15 درصد). استفاده از اینترنت نیز فاقد تأثیر بر جهت گیری و نگرش سیاسی مردم است. ثانیاً، میزان اعتماد مردم به منابع اطلاعاتی خارجی بسیار کم است. درست است که با بالا رفتن تحصیلات و درآمد، میزان اعتماد با ضریب همبستگی کم افزایش می‌یابد اما در کل منابع اطلاعاتی خارجی در آخرین رده از

میزان اعتماد مردم قرار دارند.

مردم تجربه انتخابات گذشته را مثبت ارزیابی نمی‌کنند. داده‌ها نشان می‌دهند مردم بهبود اوضاع اقتصادی و معیشت را وظیفه دولت می‌دانند و هیچ گروه اجتماعی و اقتصادی و جمعیت شناختی نیست که اولویت کمتر یا بیشتری برای این خواسته نسبت به سایر گروه‌ها قائل باشد. به عبارتی، مردم اصلاً فکر نمی‌کنند مجلسی که چنین کاری را در اولویت قرار دهد کار خارق‌العاده‌ای انجام داده است. نخستین اولویت ابراز شده از سوی مردم، رعایت حقوق بشر است. پس از آن، «بهبود اوضاع اقتصادی» و در اولویت سوم احقاق حقوق زنان قرار گرفته است (ایسپا، 1382: 183).

بررسی نگرش و رفتار انتخاباتی و نظرات مردم تهران در آستانه انتخابات هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی موضوع پژوهش دیگری است. این پژوهش نشان داد هرچه افراد بیشتر درباره انتخابات بحث کنند و در جریان اخبار انتخابات قرار گیرند احتمال مشارکت آنها در انتخابات افزایش می‌یابد. به این اعتبار، هرگونه مسکوت‌گذاشتن اخبار انتخابات از سوی رسانه‌ها سبب کاهش مشارکت خواهد شد. در این میان صدا و سیما بیش از هر رسانه‌ای اهمیت دارد زیرا بیش از 80 درصد مردم اخبار مربوط به انتخابات را از طریق این رسانه دنبال می‌کنند و سهم رسانه‌های دیگر در این خصوص بسیار اندک است. بر اساس یافته‌های این تحقیق احتمال شرکت مردم در انتخابات به شدت تحت تأثیر برآورد آنها از میزان مشارکت دیگران در انتخابات است. گرم شدن فضای انتخابات می‌تواند تصور افراد از میزان مشارکت دیگران در انتخابات را بالا ببرد. مشارکت مردم در انتخابات به شدت متأثر از ارزیابی ایشان از عملکرد مجلس ششم و قوای سه‌گانه است. به علاوه امید ایشان به حل مشکلات از طریق مجلس هفتم نیز می‌تواند احتمال مشارکت را افزایش دهد. با توجه به پاسخ‌های افراد نمونه در این تحقیق، عملکرد شورای نگهبان در زمینه تنگ کردن دایره تنوع‌کاندیداها بر مشارکت مردم تأثیر منفی گذاشته است. در گزارش دیگری برای سنجش میزان مشارکت سیاسی در انتخابات مجلس هفتم که توسط ایسپا انجام شد هرچه افراد تحصیل کرده‌تر شده‌اند، میل آنها به مشارکت در انتخابات کاهش یافته است. این یافته برخلاف روند معمول در جهان است. نظریه‌های مشارکت سیاسی حکایت از آن می‌کنند که تحصیلات بیشتر به معنای یاد گرفتن مهارت‌های سیاسی بیشتر و میل به مشارکت سیاسی بیشتر است (ایسپا، 1382: گزارش، 139 و 197).

حال با عنایت به این پیشینه، در فرایند بررسی میزان مشارکت عمومی شهروندان استان کردستان در انتخابات ریاست جمهوری نیز می‌تواند متاثر از عواملی همچون اقتصاد، رسانه‌ها،

حقوق شهروندی، تغییرات فضای سیاسی کشور و همچنین تغییر و تحولات سیاسی در کردستان عراق باشد که در ادامه پژوهش تا حدودی به آن پرداخته می‌شود.

روش‌شناسی تحقیق

در این پژوهش از روش توصیفی و تحلیلی استفاده می‌شود و برای پرداختن به این مسئله از منابع کتابخانه‌ای، مقالات و پایان‌نامه‌ها کمک گرفته شده است. همچنین در برخی موارد از منابع اینترنتی نیز بهره‌برداری گردیده است.

مفاهیم اصلی

مشارکت سیاسی

مشارکت سیاسی به عنوان یکی از ابعاد توسعه سیاسی، در برگیرنده ابعاد و وجوه فراوانی است که می‌تواند نظام‌های سیاسی را در فرآیند دستیابی به یک وضعیت مطلوب به لحاظ نزدیکی به دموکراسی یاری رساند. در این راستا مشارکت سیاسی به عنوان یک متغیر وابسته، همواره از عواملی چند تأثیر و تأثر پذیرفته است. نوع ساخت نظام سیاسی، وجود قومیت‌ها و هویت‌های متعدد در داخل یک سرزمین، مسائل اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی گوناگون از جمله عواملی هستند که در افزایش یا کاهش سطح مشارکت شهروندان تأثیر بسزایی دارند (غفاری و همکار، 88:1389).

اعتماد عمومی

بررسی ادبیات موجود در زمینه اعتماد و اعتماد عمومی نشان دهنده نبود یک تعریف مورد اجماع از معنای این واژه است. با این حال در تعاریفی که از اعتماد ارائه شده است آن را عموماً انتظار رفتارهای صادقانه و فاقد منفعت جویی از دیگران می‌دانند. بر همین اساس اعتماد عمومی نیز باور مردم نسبت به رفتارها و اقدامات خاصی است که انتظار دارند از دولت ببینند. وقتی اعتماد عمومی مطرح می‌شود مردم انتظار دارند مقامات و سازمان‌های دولتی با اقدامات خود در تعامل با آنها که در این تعامل نوعی عدم اطمینان و عدم شناخت از نحوه انجام امور در سازمان‌های دولتی وجود دارد، به انتظارات آنها پاسخ داده شود. به عبارت دیگر اعتماد عمومی، یعنی انتظار مردم از دریافت مثبت به خواسته‌های آنان از طریق متولیان امور عمومی. اعتماد عمومی ماهیتی جامعه‌شناختی دارد و می‌توان آن را در عرصه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه رصد کرد. اعتماد عمومی حاصل باور افراد به توانایی‌های آنان در اثرگذاری بر فراگرد توسعه سیاسی و تصور آنان از مراتب پاسخ‌گویی دولت است (الوانی و همکار، 7: 1392).

وقتی سخن از اعتماد عمومی به میان می‌آید به این معنی است که عامه مردم انتظار دارند مقامات و کارکنان سازمان‌های دولتی با اقدامات خود در تعامل با عامه، به انتظارات آنها به خوبی پاسخ دهند. در این تعامل نوعی عدم اطمینان و عدم شناخت از نحوه انجام امور در سازمان‌های دولتی وجود دارد. به عبارت دیگر اعتماد عمومی میزان یا سطح انتظار عموم برای دریافت پاسخ مثبت از طرف متولیان امور عمومی به خواسته‌هایشان. لذا اعتماد به عنوان مبنایی برای نظم اجتماعی در رشته‌ها و سطوح تحلیلی مختلف راه یافته است. درک اینکه چرا مردم اعتماد می‌کنند و همین‌طور اینکه چگونه اعتماد، روابط اجتماعی را شکل می‌دهد، محور مهم بحث روانشناسان، جامعه‌شناسان اندیشمندان سیاسی، اقتصاددانان، انسان‌شناسان و محققان رفتار سازمانی بوده است. همچنین اعتماد عمومی یکی از محورهای اصلی نظریه‌های دولت و نظریه‌های سازمان دولتی در مدیریت دولتی است. اعتماد عمومی شهروندان را به نهادها و سازمان‌هایی که نمایندگان آنها هستند پیوند می‌دهد و از این طریق مشروعیت و اثربخشی دولت دموکراتیک افزایش می‌یابد. همچنین بر این نکته تأکید می‌شود که تنها سطح متوسطی از اعتماد، کارکردی و سازنده است به این معنی که اعتماد احساسی و افراطی مردم نسبت به دولت و مدیران دولتی، مانع نقد و اصلاح عملکرد آنها می‌شود و کاهش اعتماد عمومی نیز مشروعیت مدیریت دولتی و نظام سیاسی را زیر سوال خواهد برد (عالی و همکاران، 1392: 4).

چهار چوب نظری

تاکنون تلاش‌های بسیاری شده تا رفتارهای انتخاباتی افراد مورد بررسی قرار گیرد و از روی مطالعات و مشاهدات به تهیه و تنظیم نظریه‌هایی قابل تعمیم با توجه به شرایط زمانی و مکانی متعدد، برسند. سه حوزه اصلی یعنی جامعه‌شناسی، اقتصاد سیاسی و روانشناسی سیاسی، متولیان این نظریه پردازی هستند. در میان نظریه‌های گوناگون تحلیل رفتار انتخاباتی، نظریه‌هایی بر نقش تعلقات نژادی و روابط قومی، نظریه‌هایی بر اهمیت دل‌بستگی‌ها و هویت حزبی؛ نظریه‌هایی بر اهمیت عضویت گروهی و صفت‌بندی اجتماعی؛ نظریه‌هایی مبتنی بر انتخاب عقلانی و محاسبه منافع شخصی و نظریه‌هایی بر انتخاب‌های فردی به وسیله تدبیر و کنترل ایدئولوژیکی تأکید دارند. ساموئل هانتینگتون (نظریه پرداز جنگ تمدن‌ها) انتخابات در کشورهای در حال توسعه را «انتخابات گیج‌کننده» و «انتخابات شگفت‌انگیز» می‌خواند. در جمهوری اسلامی ایران، رفتار انتخاباتی شهروندان با هیچ کدام از سه دسته الگوی نظری جامعه‌شناسی، اقتصاد سیاسی و روانشناسی سیاسی، به صورت روشن و کامل، قابل تبیین نیست. بلکه رفتار انتخاباتی «پدیده‌ای زمان‌پرورده، زمینه‌پرورده و مکان‌پرورده» است (دارابی،

1388: 2). بدین خاطر نمی‌توان به نظریه‌ای جهان شمول دست یافت که چرایی و چگونگی و محتوای رأی‌دهی در کل کشور و حتی همه حوزه‌های انتخابیه درون یک واحد جغرافیایی مانند یک استان را مورد ارزیابی قرار داد.

در گونه‌شناسی انواع مشارکت‌ها، پذیرش مشارکت سیاسی به عنوان مهمترین و بنیانی‌ترین الگو و نحوه مشارکت، در بطن خویش پذیرش دیگر انواع مشارکت در سطوح فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی را به دنبال دارد. با چنین برداشتی، سه رویکرد عمده مونولوگیست‌ها، دیالوگیست‌ها و اپورتونیست‌ها با زیرمجموعه‌های مربوطه در خصوص نحوه مشارکت سیاسی اقوام در جامعه ایران قابل شناسایی است (مقصودی: 1394: 95).

عده‌ای از مردم که در تمامی طیف‌ها وجود دارند بر این باورند که طبق محاسبات خود و توصیه‌های برخی اشخاص و گروه‌ها به نامزد خاصی، در این دوره، گرایش و تمایل یابند و علیرغم اعتقاد و میل باطنی، همکاری نمایند و با اشکال مختلف، در انتخابات شرکت کنند. عده‌ای از مردم که با توجه به اعتقادات دینی، تعهد ملی و عصبیت قومی - زبانی و پایبندی به اصول زندگی خود، در انتخابات با میل و رغبت و انتخاب و اختیار خود شرکت می‌کنند و مسلک مشخص و متقنی دارند که بخاطر فرصت‌ها و شرایط خاص و تبلیغ رسانه‌ای مخالفان خارجی و خوشایند بدخواهان داخلی، به اصول نظام و مملکت و نامزد یا نامزدهای موردنظر و پسندشان پشت نمی‌کنند و حمایت خود را کتمان نمی‌نمایند. چرا که مخالفان به نرخ روز خوردن و رنگ عوض کردن و فردی برای تمام فصول بودن هستند. عنصر عرق و عصبیت و غیرت، ثبات، پایبندی و وفاداری و جمع‌گرایی در این گروه مشهود است. جز با عده‌ای خاص، برای نشان دادن مشارکت و اعتقاد، با همگان عکس می‌اندازند و مصاحبه می‌کنند و معمولاً شامل محافظه‌کاران و چندصدگرا (دیالوگیست)، بزرگان خاندان‌ها، اهل علم و هنر و دیانت، کسبه و بازاری و تجار اصیل و اقشار سنتی و با تجربه جامعه هستند.

اپورتونیست‌ها (رویکردهای فرصت طلبانه و ابزارگرایانه)؛ با دغدغه قدرت طلبی قابل شناسایی اند که مترصد بهره‌گیری از فرصت‌های بی‌بدیل می‌باشند. آنها اعتقاد واقعی به کیان ملی، باورهای مذهبی و یا حقوق اقوام نداشته و کرامت انسانی و اخلاقیات نزد آنان فاقد اصالت است. از منظر ابزاری، گاهی تعلقات ملی و باورهای مذهبی را دست مایه تحقیر، تخفیف و سرکوب اقوام قرار می‌دهند و گاه برعکس به بهانه حقوق اقوام تازیانه بر ملک و مملکت زده و در صورت لزوم از همکاری با بیگانگان نیز ابایی ندارند. (سلمانی، 1394: 274).

واکر کانر¹ رمز موفقیت این رهبران را نه دعوت به منطق و استدلال، بلکه دست گذاشتن بر

احساسات و تهییج توده‌های مردم می‌داند(مقصودی، 1385: 97). هم چنانکه کومار روپزینگه و والری تیشکوف¹ با بهره‌گیری از نظریه "نخبه محور"² و تشریح نقش رهبران سیاسی و فکری در تحریک و تشجیع احساسات قومی و در برپایی درگیری‌های خونین، این اختلافات را محصول عمل نخبگان فریبکاری می‌دانند که برای پنهان کردن انگیزه‌های دیگر خود از "استتار قومی"³ استفاده می‌کنند. از نظر تیشکوف روابط بین قومی صرفاً تصور مبهمی است که برخی نخبگان با پنهان شدن در پشت سر آن، برای بسیج توده‌های قومی و کسب اهداف خود از آن استفاده می‌کنند. اسلوبودان میلوشویچ و فرانچو توچمان از جمله همین رهبران فریب کار هستند که از تمایلات قوم گرایانه صرب‌ها و کروات‌ها به عنوان ابزاری برای پیشبرد اهداف سیاسی شخصی خود استفاده کردند(گر، 1382: 15).

جدول شماره 1: رویکردهای مختلف درباره مشارکت اقوام در انتخابات

دیالوگ‌گست‌ها (چند صداهایی‌ها)				فرصت طلبان	مونولوگ‌گست‌ها (تک صداها)			
گرایش‌های علمی	اسلام خواهان ایرانیان	تعامل گرایان قومی	ایران گرایان پراگماتیسم		گرایش‌های غیرعلمی و شبه علمی	بنیاد گرایان مذهبی	قوم گرایان افراطی	ایران گرایان افراطی

(مقصودی، 1385: 98).

بنابراین در پژوهش حاضر تلاش شده است براساس الگوی مشارکت سیاسی که آن اشاره شد، رفتار انتخاباتی در استان کردستان را مورد بررسی و واکاوی قرار گیرد.

جامعه‌شناسی سیاسی رفتار انتخاباتی در استان کردستان

انتخابات آزاد و عادلانه، یکی از عناصر اصلی تشکیل دهنده نظام‌های مردم سالار و بخش

1. Kumar Rupesinghe & Valery A. Tishkov

2. Elite Based

3. Ethnic Comouflage

جدایی ناپذیر از روند اجرایی دموکراسی است (پرچی، 1386: 53). رقابت در انتخابات، عمده‌ترین ابزاری است که مقامات دولتی را ناگزیر به پاسخگویی در مقابل مردم و پذیرش به نظارت آنها می‌کند. به این لحاظ یکی از معیارهای تشخیص وجود دموکراسی در نظام‌های سیاسی، برگزاری انتخابات است. درحالی که انتخابات نوعی سنجش در سطح نمایان جامعه است، برآیند گرایش‌های نهفته در عمق جامعه نیز تلقی می‌شود.

رفتار سیاسی شهروندان استان کردستان در قالب شرکت در انتخابات ریاست جمهوری، به علت افتراق قومی و مذهبی آنان با اکثر جامعه ایران و نیز فعالیت سیاسی نخبگان قومی در این زمینه و همچنین تأثیرپذیری مردم این استان از تغییر و تحولات منطقه‌ای، همواره از اهمیت خاصی برخوردار بوده است (غفاری و همکار، 1390: 90).

مناطق کردنشین ایران در غرب کشور، پس از انقلاب اسلامی دستخوش تحولات گوناگون و بحران‌های اجتماعی و فرهنگی و سیاسی گردید. که می‌توان علت آن را عدم بلوغ و تکامل احزاب و گروه‌های سیاسی و نبود فرهنگ گفتگو و رقابت سالم و قانونی، و نبودن رویه تساهل و تسامح و خویشتنداری حزبی، مخدوش بودن مرزهای رقابت حزبی و برخورد آن با منافع ملی و عدم تشخیص و رویت این مرزها توسط جمعیت‌ها و احزاب و گروه‌های سیاسی، از شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایجاد شده در دوران بعد از انقلاب عنوان داشت. به جای رقابت سالم، با متهم کردن یکدیگر، از فرصت طلایی ایجاد شده به درستی استفاده نشد. پس از درگیری‌های خشونت بار، احزاب و گروه‌ها و جنگ مسلحانه در کردستان و رویارویی مرکز با گروه‌های اپوزیسیون بر انداز، شاهد حکومت نظامیان در کردستان بودیم و به نوعی تمام پست‌های مدیریتی و اجتماعی را نظامیان و یا مشابیهان فکری آنان اشغال کردند و اکثر فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی تعطیل گردید (توکلی، 1379: 6). روشن است که نتیجه چنین فضایی فقر فرهنگی و اجتماعی و سیاسی خواهد بود. پس از فروکش کردن دامنه درگیری‌های نظامی در کردستان و به ویژه در سال‌های پایانی دهه 60 و اوایل دهه 70، اجرای برنامه‌های 5 ساله توسعه توسط دولت در بسیاری از مناطق و از جمله در کردستان امیدهایی را برانگیخت. مردم امیدوار گردیدند پس از پایان درگیری‌های منطقه کردستان ایران و نیز جنگ 8 ساله با عراق زمینه سرمایه‌گذاری اقتصادی دولت در منطقه افزایش یافته، توسعه صنعتی و اقتصادی منطقه در اولویت قرار گیرد. کارخانه‌های جدید راه اندازی شود سهم کردها به ویژه کردهای اهل سنت در مدیریت سیاسی و ساختار قدرت کشور افزایش یابد، اما گذشت چهار سال از ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی برای مردم به معنای دستیابی به آرزوها و آمال نبود و در دور دوم انتخابات، کردستان تنها استانی است که هاشمی‌رفسنجانی در آن رای

نمی‌آورد و احمد توکلی در ششمین انتخابات ریاست جمهوری در استان کردستان حائز اکثریت آراء می‌شود و بدین وسیله مردم کردستان به آرامی نارضایتی خویش را از وضع موجود با رأی خود بیان می‌کنند. با پایان یافتن جنگ تحمیلی، حزب دموکرات کردستان ایران با میانجی‌گری اتحاد میهنی کردستان عراق، پیشنهادهایی را به جمهوری اسلامی ایران برای رسیدن به یک راه حل مسالمت آمیز دربارهٔ کردستان ارائه داد اما در 22 تیر ماه 1368 و در جریان دومین دوره این مذاکرات در شهر وین عبدالرحمان قاسملو و پنج تن دیگر از مذاکره کنندگان کرد ترور شدند و در سال 1370 صادق شرفکندی، جانشین قاسملو در برلین مورد سوء قصد قرار گرفت و ترور شد. عوامل مذکور همانطور که گفته شد در ذهنیت و تلقی مردم از دولت هاشمی اثرات منفی برجای گذاشت که مردم استان اعتراض خود را نسبت به وضعیت موجود و سیاست‌های دولت در منطقه را در انتخابات با مشارکت منفی خود اعلام داشتند. فضای کردستان از سال 74-75 تحت تأثیر چند عامل رو به ایجاد فضایی مسالمت آمیز گذاشت (غفاری و همکاران، 1390: 99). آن عوامل عبارتند از:

1. رودررویی احزاب کردستان عراق که در طی آن دو حزب عمده به کشتار وسیع یکدیگر دست زدند. این احزاب عبارتند از حزب دموکرات کردستان عراق به رهبری مسعود بارزانی و حزب اتحاد میهنی کردستان عراق به رهبری جلال طالبانی. تحت تأثیر این درگیری وسیع، چندین هزار نفر از مردم شهرهای مجاور مرزها از جمله مناطقی از سلیمانیه عراق به ایران گریخته و در جوار شهرهای بانه و مریوان ساکن شدند (اواخر سال 1375) این درگیری‌ها که بر سر منافع حزبی و جناحی و اختلاف در مورد رهبری کردستان عراق ایجاد گردید، باعث شد تا بسیاری از روشنفکران و جوانان و تحصیل کرده‌های کرد ایرانی نسبت به تشکیل و ایجاد کردستان واحد، دچار شک و تردید شوند و آرمان و ایده ال کردستان واحد دچار تزلزل اساسی گردد.

2. تحت تأثیر همین وقایع عینی و مشکلات عدیده‌ای که بر سر راه ایجاد کردستان واحد وجود داشت، حزب دموکرات کردستان ایران، مشی درگیری و ترور پراکنده را به کلی متوقف کرده و تنها فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی خود را از راه برنامه‌های رادیویی و اعزام بعضی از هواداران به مناطق کردستان ایران دنبال کرد و عملاً از سال 75 به بعد، خطر درگیری مسلحانه و ترور به نقطه صفر رسیده بود و تغییرات وسیعی در اندیشه روشنفکران، دانشجویان و اقشار دیگر صورت گرفت که این افکار در سال 1376 مجال ظهور و بروز یافتند.

3. از سال 1375 به بعد فضای فرهنگی و سیاسی کشور به تدریج تغییر کرد و در دوره انتخابات ریاست جمهوری در سال 76 تغییرات اساسی در سمت‌گیری افکار عمومی و

مطبوعات و آزادی‌های مشروع سیاسی و اجتماعی صورت گرفت که به شدت در مناطق کردستان ایران نیز تأثیر خود را برجا گذاشت و روزنه‌امیدی را می‌گشود که به طور مسالمت آمیز و در چارچوب قانون اساسی نیز می‌توان به فعالیت پرداخت و شاهد رشد و شکوفایی کردستان بود. علاوه بر موارد مذکور رویکرد مثبت آقای خاتمی در آستانه انتخابات ریاست جمهوری و طرح شعارهایی در باب آزادی و دموکراسی و همچنین شعار ایران برای همه ایرانیان در کردستان باعث تغییر نگرش مردم استان و مشارکت حداکثری آنها در انتخابات دوم خرداد گشت (توکلی، 1379: 6).

هرگاه واقعه یا تحولی در ایران به وقوع بپیوندد به ویژه اگر این تحول در حوزه سیاست باشد این پرسش برای بسیاری از فعالان سیاسی و مردم کردستان پیش می‌آید که تحول و رویداد به وقوع پیوسته، آیا موجب تغییر در شرایط و موقعیت کردها در ایران می‌شود؟ آیا نگرش حاکمیت نسبت به کردها تغییر می‌کند؟

«دوم خرداد» یکی از تحولاتی بود که به شکل یک واقعه مهم متجلی گردید و سهم کردها نیز در شکل‌گیری این رخداد برجسته بود. مردم کردستان در انتخابات دوم خرداد در حد قابل توجهی به پای صندوق‌های رأی آمدند و با دادن رأی خویش به سید محمد خاتمی همدلی و همراهی عظیمی را با مردم ایران از خود به نمایش گذاشتند (توکلی، 1383: 40). با شروع به کار دولت اصلاحات بارقه‌های امید نه در کردستان بلکه در تمام ایران برانگیخت. مردم منتظر اصلاحات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی وسیع در کشور و به ویژه در منطقه بودند که انتخاب استاندار کرد یعنی عبدالله رمضان‌زاده اولین گام رئیس‌جمهور در اجرای برنامه‌هایش در کردستان بود. تغییر تدریجی مدیریت‌های منطقه و استفاده از برخی نیروهای کرد اهل سنت در رده‌های مسئولیتی چون معاونت برنامه‌ریزی استاندار، دو فرماندار کامیاران و دیواندره، مدیر کل راه و ترابری، صنایع، امور اداری و اقتصادی مجوز تأسیس و انتشار چندین نشریه دو زبانه کردی - فارسی، برگزاری دوجلسه ویژه هیأت دولت در ارتباط با مسائل استان کردستان و غیره از جمله اقدامات مثبت دولت اصلاحات در منطقه بود. شروع اصلاحات و چشم‌انداز مثبت تحولات آتی تا جایی تأثیرگذار بود که حتی برخی احزاب اپوزیسیون کرد مانند حزب دموکرات مردم را به مشارکت در انتخابات شوراها و مجلس ششم دعوت نمودند. اما علیرغم این تحولات مثبت با اتفاقات و حوادث ناگوار و برخی کاستی‌ها و فعالیت‌ها روی دیگر اوضاع سیاسی - اجتماعی کردستان را به تصویر کشید که نمونه‌هایی از آن عبارتند از: مقاومت در برابر تغییر برخی نیروها به ویژه در سطح رؤسای آموزش و پرورش در منطقه و استفاده از رؤسای اهل سنت در سطح شهر سنندج و سایر مناطق شهری بزرگ استان. کمبود سرمایه‌گذاری صنعتی،

ادامه فعالیت‌های گزینش‌ها با رویه پیشین و از همه مهمتر دو اتفاق و رویداد جدی و ناگوار، یکی مربوط به حوادث خشونت بار پس از دستگیری اوجالان در سطح سنندج و دیگری ابطال نتیجه انتخابات سقز و بانه پس از انتخاب خالد توکلی (غفاری و همکار: 1390: 101)¹.

در همین زمینه آمارها نشان می‌دهد که در انتخابات هفتمین دوره ریاست جمهوری از کل 167985 نفر واجد شرایط حوزه سقز و بانه 144122 نفر یعنی حدود 85 درصد واجدین شرایط شرکت داشته‌اند، اما در انتخابات هشتمین دوره ریاست جمهوری از مجموع 202517 نفر واجدین شرایط رأی در حوزه بانه و سقز تنها 93197 نفر یعنی 45.79 درصد در انتخابات شرکت نموده‌اند. بدین ترتیب نه تنها کاهش چشمگیری در حضور مردم در صحنه انتخابات وجود داشت، بلکه حتی از لحاظ عددی نیز حدود 50925 رأی به نسبت 4 سال قبل، از میزان مشارکت مردم این حوزه انتخابیه کاسته است. رد صلاحیت‌های گسترده اصلاح‌طلبان در انتخابات مجلس هفتم نیز یکی دیگر از عوامل نارضایتی مردم استان کردستان می‌باشد. اگر چه در انتخابات مجلس، انگیزه‌ها محلی، شهری، منطقه‌ای نیز در مشارکت مردم تأثیرگذار است و از این حیث با انتخابات ریاست جمهوری تفاوت دارد، به نظر می‌رسد رشد تدریجی مشارکت از دوره اول تا ششم به ویژه افزایش قابل توجه مشارکت در انتخابات دوره ششم مجلس شورای اسلامی تا حد زیادی ناشی از اعتقاد به تأثیر حضور و مشارکت در انتخابات است. در مجلس هفتم در سال 1382 به دلیل فضای خاص سیاسی اجتماعی این دوره و تشدید اختلافات جناحی، کشور شاهد افت مشارکت سیاسی بود در انتخابات دوره ششم مجلس مشارکت کشوری 67.35 بود که این رقم در استان کردستان 70.18 درصد می‌باشد در انتخابات دوره هفتم درصد مشارکت به 50.57 درصد کاهش می‌یابد که این رقم در استان کردستان به 32.6 درصد رسید. همانگونه که مشاهده می‌شود کاهش معناداری در استان کردستان در میزان

1. به دنبال دستگیری عبدالله اوجالان رهبر حزب کارگران کرد ترکیه (K.k.P) در مناطق کردنشین کشور اعتراضاتی به نحوه این دستگیری رخ داد که در طی حادثه‌ای مشکوک در سنندج تعدادی جان باختند. عدم برخورد شفاف مسئولین سیاسی و امنیتی و قضایی با علل و عوامل به وجود آورنده حادثه و عدم اطلاع رسانی شفاف نسبت به ابعاد قضیه و عدم پاسخگویی ریاست جمهوری نسبت به درخواست مردم منطقه در جهت تشکیل گروه ویژه تحقیق و تفحص و معرفی مسببان حوادث خشونت بار سنندج، موجبات نارضایتی شدید آنان را فراهم ساخت. نامشخص بودن تعداد کشته شدگان، مجروحان و دستگیر شدگان و نیز اتهامات فراوان پیرامون علل وقوع این قضیه، بی تردید یکی از نقاط ضعف در کار دولت اصلاحات بود. همچنین پس از برگزیده شدن «خالد توکلی» به عنوان نماینده حوزه‌های سقز و بانه در مجلس شورای اسلامی، ابطال نتیجه آن انتخابات توسط شورای نگهبان آن هم بدون ارائه مستندات و دلایل مشخص از دیگر رویدادهای این دوره می‌باشد. در این زمینه استنادار کردستان طی سخنانی مندرج در هفته نامه سیروان مورخ 1379/12/15 اعلام داشت.

«تنها جایی که بدون بازشماری حتی یک رأی، انتخاباتش باطل شد حوزه سقز و بانه بود، چرا که در سه مرحله بازرسی حتی یک صندوق هم باز نشد و تا به حال هم هیچ دلیلی برای ابطال آن از سوی مراجع ذربط ابلاغ نشده است» (هوشمند، 1380: 74).

جامع‌شماره‌های مسائل اجتماعی ایران

مشارکت شهروندان در پی رد صلاحیت برخی کاندیدا صورت گرفته است به گفته جلالی زاده رد صلاحیت 5 تن از اصلاح‌طلبان در آستانه انتخابات مجلس هفتم و بیانیه‌هایی که در اعتراض به این رد صلاحیت‌ها منتشر شد، در کاهش مشارکت مردم استان در انتخابات دوره نهم ریاست جمهوری تأثیرگذار بود (غفاری و همکار: 1390: 103).

جدول 2. وضعیت مشارکت انتخاباتی مردم کردستان در انتخابات ریاست جمهوری تا دوره نهم

ردیف	انتخابات ریاست جمهوری	تاریخ برگزاری	تعداد واجدالشرایط در استان	تعداد شرکت کنندگان در استان	میزان مشارکت عمومی در استان (به درصد)
1	دوره اول	1358/11/5	460/775 نفر	59/100 نفر	12/83 درصد
2	دوره دوم	1360/5/2	486/931 نفر	212/884 نفر	43/72 درصد
3	دوره سوم	10/1360/7	486/931 نفر	235/980 نفر	48/46 درصد
4	دوره چهارم	1364/5/25	534/780 نفر	280/451 نفر	51/57 درصد
5	دوره پنجم	1368/5/6	607/265 نفر	356/323 نفر	58/68 درصد
6	دوره ششم	1372/3/21	604/687 نفر	381/790 نفر	54/96 درصد
7	دوره هفتم	1376/3/2	781/048 نفر	617/351 نفر	79/04 درصد
8	دوره هشتم	1380/3/18	910/364 نفر	486/596 نفر	53/45 درصد
9	دوره نهم مرحله اول	1384/3/27	1/032/306 نفر	385/776 نفر	37/37 درصد
	مرحله دوم	1384/4/3	1/032/306 نفر	257/643 نفر	24/66 درصد
متوسط مشارکت عمومی در استان 48/19 درصد					

(مقصودی، 1385: 104).

در دوره دهم انتخابات ریاست جمهوری (خرداد 1388) برای اولین بار دو تن از کاندیداهای ریاست جمهوری با تهییج احساسات مردم کرد زبان، به وجود ستم مضاعف در مناطقی مانند کردستان اذعان کرده بودند. هم میر حسین موسوی و هم مهدی کروبی مانیفستی را برای توجه ویژه به حل مساله اقلیت‌ها منتشر کردند و همین اقدام باعث شد برای اولین بار در تاریخ جمهوری اسلامی ایران حزب دمکرات کردستان به نحو ایجابی وارد انتخابات شود و مردم را به رای دادن به این کاندیداها تشویق کند. اما با ناکامی آنها و پایان جنجالی آن دوره انتخابات، هم وعده آنها و هم مشارکت حزب دمکرات کردستان راه به جایی نرسید (سلمانی، 1396: 273).

جدول 3. وضعیت مشارکت انتخاباتی مردم کردستان در انتخابات ریاست جمهوری در دوره دهم

تاریخ برگزاری	تعداد واجدالشرایط در استان	تعداد شرکت کنندگان در استان	میزان مشارکت عمومی در استان (به درصد)
1388/3/22	943/818 نفر	610/756 نفر	64/71 درصد

(ویکی پدیا / دانشنامه آزاد).

چهار سال بعد یعنی در دوره یازدهم، این بار آقای حسن روحانی نه تنها وعده‌های قبلی در رسیدگی ویژه به مسائل اقلیت‌ها را تکرار کرد بلکه برای اجرای وعده‌هایش مشاور ویژه این امور را هم تعیین نمود. همین امر باعث شد که آرای روحانی در کردستان به بالاترین حد خود (بالای 70 درصد) برسد. اما این وعده‌ها تحقق نیافت. انتصاب یک فرد باسابقه وزیر اطلاعات مثل علی یونسی در سمت مشاور امور اقلیت‌ها نشان داد که رئیس جمهور روحانی نیز با رویکردی امنیتی به کردستان می‌نگرد. بعضی وعده‌های او هم در حیطه اختیارش نبود و تلاش‌های اولیه برای انتصاب وزیر یا استاندار کرد و سنی با مواضع صریح بعضی روحانیون مجتهد مواجه شد. «آموزش زبان مادری» هم در مدارس از شعار و طرح و آزمایش فراتر نرفت (همان).

جدول 4. وضعیت مشارکت انتخاباتی مردم کردستان در انتخابات ریاست جمهوری در دوره یازدهم

تاریخ برگزاری	تعداد واجدالشرایط در استان	تعداد شرکت کنندگان در استان	میزان مشارکت عمومی در استان (به درصد)
1392/3/24	1/090/847 نفر	618/619 نفر	56/71 درصد

(ویکی پدیا / دانشنامه آزاد).

شاید درایت سیاسی و مدنی در این مناطق آنگونه که از نتایج دوازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری برمی‌آید این تلقی و تصور را تقویت کند که کردها با مشارکت وسیع شان بیشترین رضایت را از ساختار سیاسی و مدیریتی در ایران دارند و این رضایت نسبی حاصل نگرش صحیح به کردها در این ساختار است، علی‌الخصوص ریخته شدن بیش از 73 درصد رای شرکت کنندگان کردستانی در صندوق‌های رأی به نفع حسن روحانی یعنی کاندیدایی که برخورد معتدل تر و میانه روتری به پدیده تکثر قومی و مذهبی در ایران دارد، ممکن است این نگرش را بیش از پیش تقویت نماید. اما توسعه نیافتگی تاریخی نواحی کردنشین که نشأت گرفته از سیاست‌های کلان پسا مشروطیت در ایران است، خود ساده‌ترین و شفاف‌ترین مدعا بر رد این فرضیه ضعیف است چرا که شاخصه‌های توسعه یافتگی از جمله زیرساخت، بهداشت،

آموزش، توسعه شهری و روستایی، دسترسی برابر به فرصت‌ها و منابع، انضباط مالی و اقتصادی، ریشه‌کنی فساد سازمان یافته، درآمد و رفاه سرانه، طول عمر شهروندان و میزان امید به زندگی، شکل‌گیری نهادهای موفق تصمیم‌گیر توسط مردم، یکسان بودن شهروندان در برابر قانون، رشد منفی بزه‌های اجتماعی و اداری، امنیت اجتماعی و برابری در دسترسی آزاد به کسب و کار تماماً مواردی است که ثابت می‌کند مناطق کردنشین ایران نسبت به دیگر نواحی کشور در رده‌های پایانی توسعه و توسعه یافتگی به معنای عام قرار دارد (سایت اینترنتی پایگاه تحلیلی خبری کردنامه، 1396).

جدول 5. وضعیت مشارکت انتخاباتی مردم کردستان در دوازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری

تاریخ برگزاری	تعداد واجدالشرایط در استان	تعداد شرکت‌کنندگان در استان	میزان مشارکت عمومی در استان (به درصد)
1396/2/29	1/181/939 نفر	694/031 نفر	58/72 درصد

(ویکی‌پدیا / دانشنامه آزاد).

اما این فرجام در مناطق کردنشین ایران نه تنها پایانی بر حس مسئولیت‌پذیری اجتماعی در این نواحی نبوده بلکه آغازی برای مطالبه حقوق معوق مانده از طریق مشارکت مدنی و دموکراسی خواهی بوده است. در شرایطی که بسیاری فکر می‌کردند سرخوردگی کردها از ناکارآمدی دولت‌های نهم و دهم در کردستان، کردها را برای همیشه از انتخابات رویگردان خواهد کرد، مناطق کردنشین به پای صندوق‌های رای رفتند و در سال‌های 1392 و 1396 بیشترین درصد رای را به نسبت سایر ایرانیان برای روحانی به صندوق‌ها ریختند، تفسیر ساده‌ی این مشارکت وسیع این است که کردها خواستار تحول دمکراتیک و تغییرات جدی در حقوق شهروندی‌شان و نیز برقراری عدالت و رفع تبعیض در چهارچوب قانون اساسی می‌باشند.

نتیجه‌گیری

طی دوره‌های قبلی انتخابات ریاست جمهوری در ایران، مناطق کردنشین مانند استان کردستان، به نسبت میانگین مشارکت کشور، دارای کمترین درصد میزان مشارکت بوده‌اند تا جایی که پنج دوره کردستان رتبه دوم مشارکت پایین را داشته است اما به مرور زمان این میزان مشارکت و سهم و دخیل شدن در ساختار توزیع قدرت و بودجه به دلیل افزایش آگاهی عمومی، تاثیر رسانه‌های جمعی، گسترش مباحث و گفتگوهای بین مردمی، ارتقای تحصیلات و امکانات، اصل روان‌شناختی «مقایسه» خود با سایر جوامع، افزایش یافته است. مشارکت مردمی در انتخابات، بیانگر وجود اعتماد و امنیت در منطقه و بستر مناسب سرمایه‌گذاری و

اختصاص بودجه و تسهیلات بدان است. مشارکت مردمی بالا در انتخابات، بیانگر اهمیت و اهتمام به سرنوشت کشور و مطالبه حق و حقوق قانونی خود از مجریان قانون یعنی دولت و زیرمجموعه‌اش است. انتخابات، مجرا و مجالی برای تمرین همگرایی سیاسی - اجتماعی در مناطق کردنشین در راستای حفظ و اعتلای کشور نیز است. این مطلب بیانگر مختصر فرمول و استراتژی مشارکت بیشتر و مطالبه بیشتر در مناطق کردنشین از منظر جامعه‌شناسی سیاسی است. عدم مشارکت عده‌ای از مردم در امر انتخابات نیز به دلایل مختلفی قابل تامل و تبیین است که بجای کتمان قسمتی از واقعیت، می‌توان با برگزاری نشست‌های قانونی و حضور نخبگان و فرهیختگان سیاسی - دینی و ترجیحاً بومی از طریق رسانه‌ها و نشریات بدان‌ها پاسخ‌های مناسب و مستدل داد تا اذهان عمومی، قانع و شفاف گردد.

هدف از پژوهش حاضر بررسی رفتار انتخاباتی استان کردستان از دوره اول تا دوازدهم انتخابات ریاست جمهوری و راهکارهای تداوم مشارکت مدنی کردها در ساختار سیاسی ایران بوده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد در میان متغیرهایی که در ذیل «مشارکت سیاسی» مطرح شده است و مطابق موارد مطرح شده در چارچوب نظری، مولفه‌هایی همچون وضعیت اقتصادی و معیشت، رسانه‌ها، حقوق شهروندی، تغییرات فضای سیاسی کشور و همچنین تغییر و تحولات سیاسی در کردستان عراق می‌تواند از عوامل تاثیرگذار در مشارکت عمومی مردم استان کردستان باشد.

یکپارچه سازی نظام سیاسی زمینه فروریختن بخشی از اعتماد عمومی میان کردها را فراهم ساخته است، به نظر می‌رسد شکستن انحصار در حوزه سیاست و اقتصاد و تجدیدنظر در قواعد حاکم بر اقتصاد و سیاست، خروج از دوراهی الیگارشی، رفع نگرانی‌های ناشی از رشد کردها و مناطق کردنشین و نفی سیاست یکسان‌سازی اجتماعی، از راهکارهایی است که می‌تواند زمینه ساز تداوم مشارکت مدنی کردها در ساختار سیاسی ایران باشد و می‌تواند مخاطرات ملی و منطقه‌ای را که از طریق پاشنه آشیل کردستان متوجه امنیت ایران شود به آسانی دفع نماید و چهره‌ای جدید از امنیت را با افزایش ظرفیت‌های جذب در نواحی مرزی و اقوام نشین ایران ترسیم کند.

منابع

- الوانی، سیدمهدی؛ دانایی فرد، حسن (1380). «مدیریت دولتی و اعتماد عمومی»، نشریه مدیریت دانش، سال چهاردهم، شماره 55.
- پرچی، داوود (1386). «بررسی مشارکت مردم در نهمین انتخابات ریاست جمهوری»، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره 53.
- پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات (1388)، گزارش نظرسنجی انتخابات دهم ریاست جمهوری، اسفند 1387 و فروردین (1388).
- توکلی، خالد (1383). «کردستان و واقعه دوم خرداد»، نشریه گفتگو، شماره 40.
- توکلی، محمود (1379). «مشارکت و امنیت در کردستان»، نشریه چشم انداز ایران، شماره 6.
- حافظ نیا، محمدرضا؛ پورطاهری، مهدی؛ ربیعی، حسن (1378). «نقش تفاوتهای مکانی در نگرش شهروندان نسبت به مشروعیت حکومت دینی مطالعه موردی»، فصلنامه بین المللی ژئوپلیتیک، تهران، سال چهارم، شماره دوم.
- دارابی، علی (1388). «جامعه شناسی انتخابات و رفتار انتخاباتی در جمهوری اسلامی ایران»، نشریه سیاست خارجی، سال بیست و سوم، شماره 2.
- سلمانی، محمد (1394). «رفتار انتخاباتی در مناطق کردنشین در دوره دهم و یازدهم»، وبلاگ سوته دلان، بازبایی شده در 8 آذر 1397 از <http://fajr85.blogfa.com/post/273>.
- سلمانی، محمد (1394). «اهداف و دلایل مشارکت انتخاباتی در مناطق کردنشین»، وبلاگ سوته دلان، بازبایی شده در 26 آبان 1397 از <http://fajr85.blogfa.com/post/274>.
- سیدامامی، کاووس؛ عبدالله، عبدالمطلب (1388). «عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در انتخابات ریاست جمهوری و مجلس؛ مطالعه موردی شهر تهران»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال چهارم، شماره چهارم، نسخه پاییز، صص 109-146.
- سیدامامی، کاووس (1386). «نظرسنجی انتخابات هشتمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در میان دانشجویان دانشگاه‌های تهران»، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس.
- شیخی، غفور (1392). «جامعه شناسی انتخابات در مناطق کردنشین»، دوهفته نامه سراسری جامعه کردستان، سال سوم، شماره 5، ص 3.
- عالی، حدیث؛ خرمالی، نازنین؛ نظری، خدیجه (1392). «اعتماد عمومی، پیوند بین شهروندان و دولت»، دومین همایش ملی علوم مدیریت نوین، گرگان.
- غفاری، مسعود؛ زرین کاویانی، بهروز (1390). «بررسی روند مشارکت شهروندان استان

- کردستان در انتخابات ریاست جمهوری 84-1376»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هفتم، شماره اول، صص 88-110.
- گر، تد رابرت (1382). «اقلیت‌ها و ملی‌گرایان»، ترجمه علی بختیاری زاده، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
 - گلابچی، محمد (1384). «نقش پندارهای حزبی در رفتار انتخاباتی»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره 215-216، مرداد و شهریور، صص 148-163.
 - مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران - ایسپا (1382). «بررسی نگرش و رفتار انتخاباتی مردم تهران»، گزارش 183.
 - مقصودی، مجتبی (1385). «مشارکت انتخاباتی اقوام در ایران (بررسی موردی؛ انتخابات ریاست جمهوری)»، فصلنامه مطالعات ملی؛ 28، سال هفتم، شماره 4.
 - هوشمند، احسان (1380). «خاتمی و کردستان»، دوماهنامه چشم انداز ایران، شماره 1.
 - Robert E. Dowse, Jon A. Hughes, Political Sociology, (New York: John Wiley & Sons, 1986), p. 293.

سایت‌ها

- سایت اینترنتی پایگاه تحلیلی خبری کردنامه، چهارشنبه - 20 اردیبهشت 1396.
- سایت اینترنتی ویکی‌پدیا.
- ایسپا (1384)، گزارش 254.
- ایسپا (1384)، گزارش 248.
- ایسپا (1384)، گزارش 240.
- ایسپا (1382)، گزارش 183.
- ایسپا (1382)، گزارش 193.
- ایسپا (1382)، گزارش 197.